

عصر آزادی

روزنامه کثیرالانتشار سراسری



مهاجرت معکوس؛ درمان دردهای موجود در کشور



اگر روزنامه نگاران، نویسند و نگویند، چه کسانی باید بگویند و بنویسند

یادداشت

آیا ایران در تهدید اسرائیل می تواند تجدید نظر کند؟



۱

زیر ذره بین "تهام هنری" در روز خبرنگار!



۳

قهرمانی خبرنگار عصر آزادی در مسابقات دارت ورزشی نویسان تبریز

۶



اهمیت استفاده از ظرفیت های آذربایجان شرقی در حوزه صادرات غیرنفتی به روایت "عصر آزادی"

فرصت سوزی در صادرات!؟

صفحه ۲»

پیروزی پرگل تراکتور در ترکیه



۶

آنچه در سفر مسئولان عالی رتبه آموزش و پرورش کشور به آذربایجان شرقی گذشت؛

لبخند بر لب دانش آموزان آذربایجانی نشست



۸

مقاله



مهاجرت معکوس؛ درمان دردهای موجود در کشور

دکتر میلاد محقق

پس از تحولات سال ۱۳۵۷. از نوع مهاجرت اجباری بوده و اختیاری در کنار نبوده است و اگر برنامه ریزان و مجریان کشور می توانستند برای جمعیت روستایی و شهری، شغل و درآمد پایدار ایجاد کنند، ما اکنون با حجم بزرگی از بحران های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی روبرو نمی شدیم.

حالا باید دید که چگونه می توان روند مهاجرت معکوس را به جریان انداخت تا بر اساس اصل مهندسی معکوس؛ با کاهش پرونده های امنیتی، انتظامی و قضایی مواجه شویم؟

پس از شکل گیری و راه اندازی شوراهای اسلامی شهرها و روستاهای کشور؛ این فرصت بدست آمد تا اداره امور مردم با اراده خودشان انجام شود و جمعیت حاضر در حوزه های انتخابیهی شهرها و روستاها، با انتخاب افرادی بعنوان نمایندگان خود در پارلمان های محلی، نهادهای اجرایی شوراهای اسلامی (شهرداری ها و دهیاری ها) را موظف سازند تا در مسیر توسعه و پیشرفت مناطق محل زندگی شان قرار گیرند و از این طریق، بستر مناسبی برای تمرین دموکراسی توسط مردم نیز مهیا گردد اما به دلیل نبود ساز و کارهای درست حمایتی، هدایتی و نظارتی در راس این شوراها، نتایجی که مورد انتظار بود به دست نیامد و اکنون با حجمی از بحران های ناشی از سوء مدیریت و سوء جریانات روبرو هستیم.

تصور کنید که اگر ما بتوانیم شوراهای اسلامی فرودست یا پایین دست (شوراهای اسلامی شهر و روستا) و همچنین شوراهای فرادست و بالادست کشورهای شوراهای اسلامی بخش، شهرستان، استان و شورای عالی استان ها) را در مسیر درست مدیریت کنیم، این توانمندی را داشتیم که از همهی ظرفیت های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و دیپلماسی عمومی موجود در مناطق مختلف کشور به نحو مطلوبی برای ایجاد و برقراری شغل و درآمد پایدار بهره برداری کنیم.

حالا بیایم این پرسش را مطرح کرد که آیا این موضوع را می توان هدفی دست نیافتنی دانست؟

همه کسانی که در امور رهبری و مدیریتی، دانا و توانا هستند به روشنی می دانند که این هدف دست نیافتنی است و تنها راه دستیابی به آن؛ برنامه ریزی درست و اجرای دقیق برنامه ها خواهد بود.

اکنون که در هزیمانی آغاز فعالیت دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و چهاردهمین دولت جمهوری اسلامی ایران قرار داریم و قوای سه گانه در بهترین شرایط همکاری و هماهنگی با هم هستند، جا دارد تا فرمانگاران کشورمان گرد هم آیند و با یک حرکت عسقی، وسیع و مترقی؛ راه توسعه و پیشرفت ایران را هموار سازند. همبستگی مراکز علمی، آموزشی و پژوهشی با بنگاه های اقتصادی، صنعتی و بازرگانی و در راس همهی آنها؛ حمایت، هدایت و نظارت درست، منطقی و در چارچوب قوانین و مقررات توسط دستگاه های زیرمجموعه قوای سه گانه خواهد توانست کشور را در مسیر درستی قرار دهد و عقب ماندگی های موجود را جبران کند.

طرح این موضوع یک رویا و توهم نیست بلکه یک واقعیت انکار ناپذیر است که اکنون ما در شرایط بسیار خوبی قرار داریم و با قبول درک اشتباهات گذشته می توانیم از شرایط و وضعیت موجود عبور کنیم و ایران و ایرانیان را به شرایط و وضعیت مطلوبی برساند و در این مسیر؛ مهاجرت معکوس را می توان تنها راه درمان دردهای موجود در بخش های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور دانست و بر اساس این باور؛ از همهی ظرفیت های موجود برای گفتن سازی، جریان سازی، هدف مند سازی و نظام مند سازی امورات آن، برخوردارو بهره مند گردید.

مهاجرت؛ واژه ای نا آشنایی برای جوامع انسانی نیست و انسانها از دیرباز و همواره، از جایی به جایی دیگر جابجا شده و کوچ می کرده اند اما آنچه که مهاجرت را برجسته می سازد این است که این پدیده در مباحث فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی؛ نقش بسیار زیاد و چشمگیری داشته است و آثار مثبت و منفی عمیقی بر مناسبات اقشار جامعه می گذارد.

بطور معمول مهاجرت؛ با انگیزه های مختلفی صورت می گیرد که البته بهتر است در ابتدا به دو قسم جبری و اختیاری آن اشاره کرد زیرا انسانها گاهی با اختیار و گاهی نیز بصورت اجباری اقدام به مهاجرت می کنند.

آثار سوء مهاجرت های جبری بر جامعه بسیار زیاد است و منشأ بسیاری از بحران های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ممالک دنیا بشمار می آید و به همین دلیل، همهی حاکمیتها و دولت های جهان در این باره، اقدام به طراحی و اجرای برنامه های ویژه برای کنترل جمعیت می کنند.

کنترل جمعیت را نباید با کنترل زاد و ولد یا کنترل مولد یکی دانست زیرا مقوله های جدا از هم هستند و مقولهی نخست به مباحث کیفی جمعیتی می پردازد در حالی که موضوع مقوله ی دوم، جنبه های کمی جمعیت است.

هر یک از مقوله های سه گانه ی کنترل زاد و ولد، کنترل جمعیت و کنترل اجتماعات؛ به موضوع جداگانه و ویژه ای می پردازند و دستگاه های امنیتی، انتظامی و قضایی در این سه فعالیت های ویژه ای مشغولند تا مبادا بحران هایی بروز یابند که نتوان آنها را مهار کرد.

پیش از تحولات سال ۱۳۵۷ مهاجرت از روستاها به شهرها، کلان شهرها، پایتخت و سپس به خارج از کشور آغاز شد و پس از تحولات مذکور، روند مهاجرت شدت یافت.

عامل اصلی این مهاجرت ها؛ وجود دافعه در مبدأ و جاذبه در مقصد بود که جمعیت برای فرار از دافعه ها و رسیدن به جاذبه ها، مهاجرت را بعنوان یکی از اولویت های رفتاری زندگی خود قرار می دادند.

شغل و درآمد پایدار" بوده است و اگر مهاجران در مبایذ مهاجرت خود، از شغل و درآمد پایدار برخوردار بودند، هیچگاه مهاجرت نمی کردند زیرا بر پایه ی شغل و درآمد پایدار، این توان را بدست می آوردند که امکانات لازم فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی محل زندگی خود را فراهم سازند و هیچگاه به امکاناتی که در مقاصد مهاجرتشان موجود بود، است، نیامزند نشوند. با طرح این موضوع مهم درمی یابیم که بیشتر مهاجرت های پیش و

برژیم اسرائیل، این پرونده باعث خواهد شد که حامیان اصلی نتانیاهو تجدید نظری در دیدگاه های خودشان داشته باشند.

۴) در صورت افزایش تنش ها در عصر حاضر شاید از نظر استفاده از ذخایر زرادخانه ای کشورهای تولید کننده تسلیحات نظامی مزایای هنجاری داشته باشد ولی همگان می دانند که پیشرفت در فناوری دقیق در سیستم های نظامی - دفاعی از سوی ایران و حملات تویخانه ای و پهپادی در کنار قدرت نیروهای مقاومت خواهد توانست غیر از جان نظامیان، جان بسیاری از انسان های بیگناه را نیز به مخاطره بیندازد. طبیعتاً میزان تلفات غیرنظامیان بیش از هر کسی خواهد بود و علاوه بر صدمه دین زاد و ولد خانوای مهم کشورهای درگیر جنگ، برخی از کشورها نیز سهم خودشان را از این مناقشه خواهند برد. عدم تنبیه اسرائیل در این قضیه مجبور کردن ایران به اقدام نظامی - البته خیلی شدیدتر و متفاوت تر از حمله قبلی در اردیبهشت ماه خواهد بود... باعت و کثرتی خود که جعبه پاندورا باز شود که نتایج ناگواری روی دست همگان خواهد گذاشت. در عصری زندگی می کنیم که هوش مصنوعی و استفاده از هکرهای قدرتمند می تواند زمینه بسیاری از بحران ها را در هدف قرار دادن خانه های افراد؛ گمراه ساختن تماس های ارتباط مراکز بهداشتی و درمانی و یا اختلال در سیستم های آب و برق و هوانوردی و ... زمینه بروز حوادث خطرناکی بیش از جنگ شود.

۵) جنگ در هر صورت زشت، وحشیانه و اغلب زمان خاتمه آن قابل پیش بینی نیست. فکر کردن به اینکه در جنگ کنونی فناوری موجود با ماهیت انسانی و موجودی زرادخانه ای همه چیز را تعیین خواهد کرد، یک توهم است. به همین خاطر همه نگران اقدام ایران هستند. ایالات متحده نیز اگر از حمایت خودش از اسرائیل بحث به میان می کشد، تنها دلخوش کردن اسرائیل و در عین حال متوجه کردن ایران به عواقب شروع جنگ است که خود اصلاً مایل به ورود به آن نیست. زیرا هم انتخابات پیش رو ایالات متحده را درگیر کرده و هم اینکه با روسیه و چین رقابت تنگاتنگی را تجربه می کند. از این رو، گمان می رود استراتژی طرح دوگانه ای ایران در تجدید نظر در اتخاذ گیری نتیجه بخش خواهد بود.

نتیجه سخن اینکه، نتانیاهو نادان با اقدام خود تنها ایران و حزب الله را درگیر نکرده و تصور نکند که وارد یک جنگ تحقیر آمیز شده و قدرت بازدارندگی ایران را زیر سؤال برده است. خود رژیم صهیونیستی گرفتار جنگ تحقیر آمیزی شده است که با ارقام ریاضی پیچیده نمی تواند نتایج آشی را که پخته است، پیش بینی کند و در شرایط فعلی دچار خطای محاسباتی شده است. برای حسن ختام در اینجا به سخنی از توماس فریدمن در نوامبر ۲۰۰۳ اشاره کنیم که گفته بود: "اگر من یک چیز را در مورد امور بین الملل آموخته باشم، این است که تنها نیرویی که در روابط بین الملل کمتر مورد توجه قرار گرفته است، تحقیر در دنیای سیاست است." او در مقاله میسوسپی در این رابطه با عنوان "عامل تحقیر (THE HUMILIATION FACTOR)" اشاره به سخنرانی مهم ماهاتیر محمد، نخست وزیر وقت ملازی در زمان وقوع جنگ عراق دارد که گفته بود: "تنها واکنش ما در بروز جنگ ها این است که بیشتر و بیشتر عصبانی می شویم و افراد عصبانی نمی توانند درست فکر کنند."

به میان آورده و پیرو آن نمایندگی ایران در سازمان ملل، روز چهارشنبه گذشته در پاسخ به استوایی درباره اینکه حماس اعلام کرده که اگر به آتش بس برسند، ایران از پاسخ علیه رژیم صهیونیستی منصرف می شود، اعلام می دارد که: "ما به صورت همزمان دو اولویت را دنبال می کنیم. اول، برقراری آتش بس پایدار در غزه و خروج اشغالگران از این سرزمین؛ دوم، مجازات متجاوز به خاطر ترور شهید هنیه و پیش گیری از تکرار تجاوزات تروریستی رژیم اسرائیل و پشیمان کردن صهیونیست ها از ورود به چنین مسیری."

این نشان می دهد که ایران بیش از اینکه به انتقام عملی دست بزند، به سیاست بازدارنده قضیه توجه دارد و به موازات اهداف مردم فلسطین در تحقق آرمان ها آن ملت گام بر می دارد. یقیناً ایالات متحده در این پیشنهاده و رویکرد تجدید نظرانه ایران منطقی عمل خواهد کرد، زیرا به دلایل زیر مجبور به آن است:

۱) در شرایط فعلی هزینه های زیادی دامنگیر ایالات متحده در اعزام نیروهای نظامی به منطقه و تجهیز پایگاه های خود در عراق و سوریه برای دفاع از اسرائیل شده است. بر اساس گزارش آکسیوس، جو بایدن جلسات ویژه ای با شورای امنیت ملی آن کشور در مورد آخرین تحولات منطقه انجام داده و صراحت بیان ملک عبدالله دوم پادشاه اردن بعد از بازگشت وزیر خارجه آن کشور از تهران و مصاحبه صریح ایشان در این خصوص که خاموش شدن آتش جنگ در خاورمیانه منوط به مجبور ساختن اسرائیل به آتش بس و ترک اراضی غزه است و اسرائیل مسئول کامل تنش خطرناک در منطقه است، نشان می دهد که ایران در اتخاذ تصمیمش مسیر درستی را می پیماید.

۲) خبرگزاری اسرائیلی هاآرتص در خبری که در سایت خود به تاریخ هشتم اگوست (روز پنج شنبه گذشته) اعلام می دارد که یوآ گالاتت وزیر دفاع رژیم صهیونیستی به دلیل اعتراض مکرر به تصمیمات ریستک امیز و خودسرانه نتانیاهو اختلاف شدیدی میان وی و نخست وزیر در جلسات کابینه داشته و تعدادی از سایر وزرا نیز اقدام او در ترور هنیه را غیر عادلانه و غیر استراتژیک قلمداد کرده اند که نتانیاهو نیز آنها را متهم به این کرده است که گویی سخنگوی حماس هستند. از این رو سعی دارد گالاتت را از وزارت برکنار کند ولی کسی دیگری که بتواند به آن اعتماد کند، ندارد. همچنین اوینگدور لیبرمن، وزیر سابق دفاع آن کشور نیز اظهار داشته است که: "انتظار و وحشت اسرائیلی ها از پاسخ ایران و حزب الله عملاً دستاوردی برای ایرانی ها و حزب الله دارد و اسرائیل ۱۰ ماه است در جنگی فرسایشی به سر می برد و هیچ طرحی برای مقابله با ایران ندارد." تمام اینها نشان می دهد که سازوکار موجود ایران به نتایج ملموسی نزدیک می شود.

۳) ترکیه روز چهارشنبه رسماً به دادگاه بین المللی دادگستری سازمان ملل (دادگاه عالی لاهه) درخواست مشابه پرونده آفریقای جنوبی علیه اسرائیل ارائه کرد و مدعی شد که اقدامات نظامی اسرائیل در غزه ناقض کنوانسیون نسل کشی ۱۹۴۸ است. اگرچه شاید این اقدام ترکیه تعجب آور نباشد ولی یکی از پر سر و صداترین پرونده ها علیه اسرائیل محسوب می شود که بعد از حمایت اسپانیا، مکزیک، لیبی، کلمبیا و نیکاراگوئه، ایرلند و برخی دیگر از کشورهای اروپایی در به رسمیت شناختن فلسطین و محکوم کردن

بعد از حادثه ناگوار ترور شهید اسماعیل هنیه در تهران از سوی رژیم صهیونیستی نگاه جهانیان به واکنش ایران علیه این اقدام است. قدر مسلم ایران در این قضیه بر اساس حقوق بین المللی و با تکیه بر مفاد ماده ۵۱ منشور سازمان ملل، می تواند و حق قانونی دارد که طرف مقابل را به شدت تنبیه نماید. لیکن نگرانی های جهانی در طولانی شدن تنش های میان ایران و رژیم صهیونیستی، امنیت منطقه و حتی مقامات ایالات متحده به صورت مصاحبه و حتی با ارسال پیام های کتبی از طرفین و به ویژه ایران خواسته اند که خویشتن داری بکنند. بسیاری از رهبران اروپایی و عربی و حتی روسیه و چین نیز در این زمینه فرستاده هایی را به تهران اعزام داشته اند تا مانع از اقدام ایران بشوند. لازم به ذکر است که این خود نشان از اهمیت قدرت و همچنین نشان دهنده اراده ایران در اجرای خواسته های مشروع خود است. اما آنچه باید به آن توجه شود اینکه، اقدام نظامی علیه رژیم صهیونیستی تنها یک وجه از وجوه متعدد است. از این رو ایران تلاش دارد از وجوه دیگری نیز با ارزیابی های عادلانه بهره برده و طرف مقابل را به استیصال وادار نماید. یکی از این اقدامات طبیعتاً رفتار و جدیت ایران در ایجاد "شرایط انتظار مرگ آور" است که نه تنها بسیاری از اهالی مناطق اشغالی، بلکه جهانیان را نیز به ستوه آورده، معترف هستند که سخت ترین شرایط را تجربه می کنند و هر آن انتظار دارند که محلات ایران تحقق یابد. فقط تنها به غیر فعال شدن فرودگاه های رژیم صهیونیستی و همچنین بنادر مهم تجاری آن کشور توجه کنیم، ابعاد زیان وارده را می توان تصور کرد.

در کنار این، رویکردهای بسیاری از مسئولان کشورهای غربی و به ویژه مسلمان - عرب در نشست فوق العاده وزرای امور خارجه سازمان همکاری کشورهای اسلامی که در عربستان انجام گرفت، عموماً بر موضوع ترور اسماعیل هنیه در تهران پرداخته و به شدت آن را محکوم کردند. در بیانیه صادره در این سازمان به صراحت ذکر شده است که مسئولیت همه پیامدهای جنایت ناجوانمردانه ترور اسماعیل هنیه را متوجه اسرائیل می دانند و اقدام آن کشور را یک جنایت و نقض صریح قوانین بین الملل برمی شماری. بر اساس همین موضوع است که بار دیگر تکیه بر ماده ۵۱ منشور سازمان ملل در نقطه توجه قرار گرفته است. این ماده به صراحت اعلام می دارد که: "در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک کشور عضو سازمان ملل، تا زمانی که شورای امنیت اقدام لازم برای حفظ صلح و امنیت بین المللی را به عمل آورده، هیچ یک از مقررات منشور به حق ذاتی دفاع از خود، خواه فردی یا دسته جمعی لطمه وارد نخواهد کرد." به عبارتی روشن تر، ایران در شرایط کنونی برداری منطقی و دیپلماتیک خود را نشان داده و منتظر اقدام سازمان ملل است. در غیر اینصورت، با تکیه بر این ماده، حق انتقام جویی را دارد.

به خاطر همین است که پیام های واصله به ایران و ایراز عقیده صریح آقای باقری، سرپرست وزارت خارجه به وزرای خارجه اردن، پاکستان، عربستان و تعداد دیگری از حامیان پیام ایالات متحده ضمن لزوم تنبیه اسرائیل، از دو گزینه مهم در سخن در اجلاس سازمان همکاری کشورهای اسلامی سخن